

یادداشتی از دکتر حسین شیرزاد/ شبکه تعاونی های روستایی ایران در مسیر زنجیره تامین هوشمند و پایدار



شبکه تعاونی های روستایی ایران در مسیر زنجیره تامین هوشمند و پایدار

در محیط تجاری رقابتی بخش کشاورزی ایران، کارایی و اثربخشی زنجیره تامین در بیشتر شرکتهای تعاونی، اتحادیه های ملی تعاونی های روستایی و هولدینگهای تجاری-تولیدی کشاورزی از برجسته ترین مباحث در بین اعضای هیات مدیره ها و سهامداران به شمار می رود و امروزه به طور گسترده ای شیوه های تجارت منصفانه به هماهنگی اطلاعاتی بین بخشهای مختلف سازمان تولید و تجارت، سیستم های پشتیبانی اطلاعات و یکپارچه کردن سیستم های مختلف در زنجیره ارزش کشاورزی وابسته است. اتحادیه های ملی به درک درستی از زنجیره تامین هوشمند (SUPPLY CHAIN INTELLIGENCE یا SCII) از طریق تجارت الکترونیک نیاز دارند.

تغییرات روز افزون بازار مواد غذایی و محصولات کشاورزی و نیازهای مصرف کنندگان کلان شهرها، لزوم انعطاف هر چه بیشتر در سازمان

مرکزی تعاون روستایی و شبکه تعاون روستایی کشور را الزام آور ساخته است.، این پویش نیازمند چابکی حداکثری در سازمان و شبکه تعاون روستایی کشور است.

دیگر مسجل شده است که راه حل توانمند رسیدن به مزیت هزینه‌ای لزوماً حجم بالای تولید محصولات کشاورزی و مقیاس اقتصادی نیست، بلکه مدیریت زنجیره تأمین در بطن اقتصاد محلی، روستاها است. در واقع زنجیره تأمین مواد غذایی و کشاورزی مجموعه ای از تمامی ذی نفعان و ذی مدخلانی است که در تولید، انبارش، بسته بندی، بازرسانی، بازاریابی، فرآوری، توزیع، خرده فروشی و مصرف محصولات کشاورزی نقش آفرینی می کنند.

زنجیره تامین سلسله عوامل و مجموعه هایی را که از ابتدای تولید محصول تا انتهای مصرف و حتی چرخه باز تولید محصولات درگیر حکمرانی خوب هستند؛ شامل می‌شود. «زنجیره تأمین پاسخگو»، (RSC) به عنوان استراتژی رقابتی در اقتصاد شبکه‌مند تعاونی های روستایی سه جنبه اجتماعی، زیست محیطی و انعطاف پذیری اقتصادی در طول زنجیره را با تکیه بر اطلاعات مکانی محصول، قابلیت ردیابی، و ایمنی مواد غذایی، مورد تاکید قرار می‌دهد.

زنجیره تامین پایدار کشاورزی به مدیریت جریان مواد، اطلاعات و منابع مالی اشاره میکند، به علاوه همکاری بین شرکتهای تعاونی روستایی در سطوح روستا، شهرستان ها و اتحادیه های ملی در طول زنجیره تامین (SC) که بطور همزمان در سه بعد توسعه پایدار: زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته می شود.

موفقیت زنجیره تامین پایدار توجه به دیدگاه رهبری مشارکتی در حاکمیت شرکتی تعاونی های روستایی، نوآوری در زنجیره، یکپارچه سازی فعالیتهای تجاری، بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی همزمان تجار و تولیدکنندگان را الزامی ساخته است. اما مسئله اصلی تدوین پروتکل‌هایی جهت حسابداری کامل هزینه هاست که یک الزام راهبردی در مدیریت اتحادیه های ملی تعاون روستایی به شمار می رود.

هزینه های زنجیره تامین شامل هزینه های خرید محصولات کشاورزی، تولید، هزینه های تبعی، میزان افت و کسری، که به عنوان عاملی برای تسهیل حمل و نقل، هزینه های ذخیره سازی انبارش، و کم کردن هزینه های فروش بعنوان معیارهای اولیه در سطح رضایت مشتریان شهری در نظر گرفته شده است.

در عملکرد اقتصادی مدیریت زنجیره تامین کیفیت، سرعت، قابلیت اعتماد، انعطاف پذیری و کاهش مستمر قیمت تمام شده و هزینه نیازمند مذاقه اند. متأسفانه این هزینه ها در شبکه تعاون روستایی ایران به شدت بالاست.

مشکلات زنجیره تامین؛ در شبکه تعاون روستایی کشور؛ سندرم های متعارفی از قبیل ضعف در مذاکرات تجاری بین المللی، فقدان برندینگ، مشکلات تامین مالی با نرخ بهره پایین، بحران بدهی ها، مشکلات ناشی از تامین وثایق در تعاملات بانکی، عدم اطمینان، عدم هماهنگی، اثر شلاق چرمی (THE BULL WHIP EFFECT) یا تغییرات نامنظم در سفارشات طی زنجیره تامین، و مقدار ذخیره ناصحیح است که باید کنترل گردد.

مطالعات در زمینه زنجیره های تامین کشاورزی و مواد غذایی ایران نشان می دهد که بروز سلسله ای از نوآوری در زنجیره تامین پایدار مواد غذایی رابطه ای تنگاتنگ با تولید محصولات سالم برای تقاضای بازار که همه مصرف کنندگان بدان دسترسی داشته باشند، در کنار حمایت از پویایی و تنوع اقتصاد روستایی، توانایی برای مدیریت پایدار منابع از طریق کنترل های غیر بازاری و پرداخت هزینه های عمومی، احترام به عوامل زیست محیطی، تنوع زیستی کشاورزی و ابرام در ملاحظات منابع طبیعی (خاک، آب، تنوع زیست محیطی)، دستیابی به استاندارد بالای کیفی و کاهش مصرف انرژی، اطمینان از یک محیط سالم و بهداشت کار در مزرعه، رفاه اجتماعی کشاورزان، دستیابی به استاندارد بالا در سلامت زیست بوم، حفظ منابع در دسترس برای توسعه منطقی تولید مواد غذایی و تهیه نیازهای جامعه در کنار منبع یابی، ساخت و توزیع بهنگام می باشد.

شوربختانه سالها چراغ به دست، در پی دستیابی به یک الگوی کشت پایدار و منطقی بوده ایم در حالیکه سیاستگذاری مدیریت زنجیره تأمین پایدار و عملکرد صحیح آن، به برنامه ریزی آمایش شده منابع تولید (MRPII)، تولید گواهی شده، ایمنی و سلامت غذا، ارزیابی صحیح نیروهای بازار، سیاست درست فروش مازاد عرضه و ارتقای دانش روز مروجان، محققان و کشاورزان و انتقال تکنولوژی متناسب مزرعه، عرضه سبز محصول، قابلیت فرآیندها، انکشاف بازاری، عملیات حمل و نقل ولجستیک، بازاریابی وروابط عمومی ومباحث اجتماعی مصرف بستگی دارد.

امروزه هم شبکه تعاون روستایی کشور و سازمان مرکزی تعاون روستایی

ایران در مدیریت زنجیره تامین نیازمند بازاندیشی به مفاهیمی نو در پرتو اتخاذ دکترین پایدار زیست محیطی سبز، توجه به تغییرات اجتماعی در جامعه روستایی و رفاه اجتماعی توأمان جامعه کشاورزی ایران و جامعه مصرف کننده شهری میباشند.

برای رسیدن به الگوی کشت پایدار، بکارگیری ترکیبی از سیاستهای بازاری و غیربازاری برای قانع نمودن جامعه کشاورزی در پارادایم زنجیره تامین هوشمند الزامی است. باید بپذیریم که الگوی کشت تنها یک مقوله فنی و تکنیکال منحصر در حوزه منابع آب و خاک نیست. اگر هوشمند عمل کنیم؛ بدرستی نهاده می دهیم، بدرستی وام و تسهیلات می دهیم، بدرستی خدمات مکانیزاسیون عرضه میکنیم و در بستر نهادسازی در بخش کشاورزی رفتار جامعه مولد بخش کشاورزی کشور را با مشارکت و معاضدت و همفکری همه تشکلهای مهندسی خواهیم نمود.